

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۱/۰۴

موضوع: ارزش «شاد کردن دل دیگران»؛ از نگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

همه هست آرزویم که بینم از تو رویی

چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی

همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا

تو قدم به چشم من نه بنشین کنار جویی

«اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و جعلنا من خیر اعوانه و انصاره»

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سلام و درود خدمت شما دوستان خوب بیننده، همراهان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «اخلاق علوی».

الهی شکر که خدا بازهم به ما توفیقی داد تا خدمت شما برسیم و در مقابل دیدگاه مهربان و چشمان پر از مهر و محبتتان قرار بگیریم و این برنامه زنده را در شام جمعه و در ایام نوروز و ایام عید تقدیم حضور شما کنیم.

بازهم این ایام بسیار مبارک را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم؛ به ویژه عزیزانی که شاید امشب اولین بار است که در سال ۱۳۹۶ «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «اخلاق علوی» را برای دیدن انتخاب کردند.

البته این دوم برنامه ما هست که به واسطه آن در سال جدید خدمت شما می‌رسیم و این برنامه را تقدیم می‌کنیم و اخلاق مولا و آقاچانمان حیدر کرار حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را از زبان جناب استاد حسینی قزوینی می‌شنویم و در زندگی خود به کار می‌بریم.

اگر می‌خواهید با ما ارتباط داشته باشید بسم الله! اگر در ایران اسلامی و شمال و جنوب و شرق و غرب یا هر جای این کره پهناور خاکی و عالم هستی که هستید راه‌های ارتباطی برای شما زیرنویس شده است.

سامانه پیام کوتاه ما «۳۰۰۰۱۲۰۳» در ذهن شریفتان هست. عزیزانی که در ایران اسلامی هستند می‌توانند از طریق پیام کوتاه با ما ارتباط داشته باشند.

همچنین شماره تلفن همراهی برای شما زیرنویس شده است که می‌توانید آن را بر روی گوشی تلفن همراه خودتان ذخیره کنید و از طریق فضای مجازی با برنامه‌های واتس آپ، تلگرام و وایبر با ما ارتباط داشته باشید.

این امکان برای شما فراهم هست تا هم دوستانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و هم عزیزانی که در ایران اسلامی زندگی می‌کنند پیام‌های خودشان را به دست ما برسانند. ما منتظر هستیم تا ان شاء الله پیام‌های شما را دریافت کنیم.

ما ابتدای برنامه را مزین به نام و یاد آقا و مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) مزین کردیم، زیرا جمعه دیگری هم به پایان رسید و چشمانمان به جمال نورانی حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) منور نشد. برای ظهور و فرج آن یار غایب از نظر دعا می‌کنیم.

ما در محضر استادمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم و قرار است امشب هم ان شاءالله از بیاناتشان بهره ببریم. جناب استاد سلامّ علیکم و رحمة الله:

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستید و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانهترین سلام را همراه با تبریک ایام عید و سال نو که مزین به میلاد خجسته حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرج مولای ما را نزدیک بگرداند و امسال را سال فرج آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم امسال را سال رفع گرفتاری از همه گرفتاران، برآورده شدن حاجت‌مندان به ویژه شما گرامیان و دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت» و این حقیر قرار بدهد و دعاها را به اجابت برساند؛ ان شاءالله.

### مجری:

دوستان خوب بیننده اگر در ذهن شریفتان باشد ما در برنامه‌های گذشته در برنامه زنده «اخلاق علوی» در مورد کمک کردن، مساعدت کردن، باز کردن گرهی از زندگی دیگران، برطرف کردن مشکلی از مشکلات زندگی دیگران و رفع کردن حاجات دیگران صحبت کردیم.

ما در جلسات گذشته به طور مفصل بیان کردیم که از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مساعدت دیگران دارای چه ثواب و چه پاداشی است. احياناً اگر کسی به کمک و مساعدت و بازکردن گره زندگی دیگران توجه نکند چه کیفر و عقوبتی دارد.

یکی از مسائلی که تصمیم گرفتیم امشب در مورد آن صحبت کنیم این است که گاهی اوقات می‌گویند: "دین اسلام دین غمگین و دین خمودگی است"؛ ما می‌خواهیم از نگاه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از زاویه دیگری به این موضوع نگاه کنیم.

واقعاً دین اسلام با تمام معنویاتی که دارد دارای نشاط و شادی و خوشحالی است و امشب از منظر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اخلاق علوی می‌خواهیم در مورد این موضوع صحبت کنیم.

ان‌شاءالله امشب از زبان استاد مطالبی را خواهیم شنید تا ببینیم آقاچنانمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در مورد شاد بودن، نشاط، شادابی و خوشحال بودن چه مطالبی را بیان فرمودند.

**«شادی و نشاط» از منظر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که کلام الملوک و ملوک الکلام است در رابطه با شادی، شاد شدن و شاد

کردن سخنان زیادی بیان فرمودند.

بنده قبل از اینکه وارد بحث شاد کردن، مسرور ساختن دیگران و زمینه شادی همسر و فرزندان از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شوم، به نکته‌ای روانشناسی اشاره می‌کنم که امروز در جهان معاصر برای آن اهمیت زیادی قائل‌اند.

روشی که روانشناسان به آن معتقدند بحث خنده درمانی یا شاد درمانی است. اهمیت این روش به اندازه‌ای است که بسیاری از پزشکان در داخل یا خارج از کشور ایران معتقدند بهترین راه درمان بسیاری از بیماری‌ها از جمله بیماری اعصاب یا درد معده، شاد بودن است.

همچنین گفته شده است که اگر کسی از صمیم قلب خوب بخندد شاید تأثیر آن از صدها یا هزاران قرص مسکن در بدن بیشتر باشد.

**مجری:**

شاعر می‌گوید: خنده بر هر درد بی‌درمان دواست.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هزار و چهار سال قبل فرمودند:

**«الشُّرُورُ يَنْسُطُ النَّفْسَ وَ يَثِيرُ النَّشَاطَ»**

شادی موجب انبساط روح می‌شود و نشاط انگیز است.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۳۱۹، ج ۲۳۹۱

حضرت می‌فرماید: شادی راحتی روح می‌آورد و بیماری‌های روح را برطرف می‌کند. خیلی جالب است!! شاید در گذشته افراد متوجه نمی‌شدند که اصلاً شادی موجب انبساط روح می‌شود و قلب انسان را خوشحال می‌کند و غم‌ها را برطرف می‌کند.

این بحث‌ها در گذشته خیلی مطرح نبود، اما امروز که بحث شادی درمانی و خنده درمانی در جامعه ما مطرح شده است این فرمایش امیرالمؤمنین خیلی شیرین و لذت‌بخش است.

حضرت هزار و چهارصد سال قبل که علم مغز و اعصاب و بیولوژی مطرح نبود واقعیت‌ها را بیان فرمودند.

### «الشُّرُورُ يَنْسُطُ النَّفْسَ وَ يَثِيرُ النَّشَاطَ»

امیرالمؤمنین فرمودند: شاد بودن ناراحتی‌ها و غم‌ها را از اعصاب و جسم انسان برمی‌دارد.

«يَنْسُطُ النَّفْسَ» در اینجا به دو معنا به کار برده می‌شود؛ معنای اول این است که اعصاب انسان را آرامش می‌دهد و معنای دوم این است که بیماری‌های جسمی ما را هم برطرف می‌کند. همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

### «الْغَمُّ يَفِضُ النَّفْسَ وَ يَطْوِي الْأَنْبَسَاتَ»

غمگین بودن موجب انقباض اعصاب می‌شود و شادی‌ها را درهم می‌پیچد.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۳۲۱، ح ۷۴۵۵

حضرت می‌فرماید: ناراحتی و گریه و غمگین بودن موجب گرفتگی اعصاب و در هم پیچیده شدن شادی‌ها و سلامتی انسان می‌شود.

جمله زیبایی است!! این جمله برای بعضی از آقایان که تصور می‌کنند اسلام به دنبال گریه کردن و عزا گرفتن و دهه‌های عزاداری گرفتن و سپری کردن عمر مردم با گریه است، پیام مهمی دارد.

امیرالمؤمنین که در جای دیگر می‌فرماید: گریه کردن برای امام حسین (علیه السلام) بالاتر از چند صد هزار حج است، در این روایت می‌فرماید: شاد بودن غم‌ها را برطرف می‌کند و ناراحتی نفس و اعصاب را از بین می‌برد.

هیچ شکی نیست که ما در ایام محرم و صفر و ایام فاطمیه غمناک و عزادار هستیم و لعنت بر کسانی که در این ایام شادمانی می‌کنند.

ما همچنین در ایام شهادت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرين (علیهم السلام) عزادار هستیم، اما این ایام روزهای مشخصی از سال را شامل می‌شود و شامل دوازده ماه از سال نیست.

بنابراین عزاداری‌ها و خوشحالی‌ها هرکدام باید سر جای خود برگزار شود. در روایت دیگری وارد شده است:

«إن شيعتنا منا خلقوا من فاضل طينتنا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳،

ص ۳۰۳، باب الحکایة الخامسة و الخمسون

روزهایی که ائمه طاهرين (علیهم السلام) شاد هستند ما هم باید اظهار شادمانی کنیم و روزهایی که ایشان محزون هستند ما هم باید اظهار حزن داشته باشیم. در روایت دیگری وارد شده است:

«أَوْقَاتُ الشُّرُورِ خُلُوسَةٌ»

اوقات شادمانی غنیمت است.

تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی،

مصطفی، ص ۳۱۹، ج ۲۳۹۰

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: ساعت‌های شادمانی فرصت طلایی است و انسان باید از آن استفاده کند.

به عبارت دیگر ایام شادمانی و فرح و سرور ایامی است که باید آن را غنیمت دانست و فرصت را از دست نداد. مؤمن باید بخشی از روز و ایام سال چهره شاد و بشاش داشته باشد.

امیرالمؤمنین در رابطه با شادی درمانی و خنده درمانی می‌فرماید: خنده درمانی و سرور روح انسان را نشاط و صفا می‌بخشد.

نکته دیگر این است که ما شادی‌ها را تنها منحصر به عروسی‌ها و ایام عید نکنیم. شادی‌ها به دو قسم شادی‌های مادی و شادی‌های معنوی تقسیم می‌شود. زمانی که انسان نماز می‌خواند و از این نماز لذت می‌برد شادی معنوی به او دست داده است.

در کلمات یکی از بزرگان وارد شده است که می‌فرماید: لذتی که اولیاء خدا از یک رکعت نماز می‌برند، تمام پادشاهان زمین از دوران سلطنتشان نمی‌برند.

«إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا»

خدایا چه کسی هست که شیرینی و لذت محبت تو را چشید، اما سراغ دیگری رفت!

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۱،

ص ۱۴۸، ج ۲۱



اینکه می‌بینیم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، امام سجاد (علیه السلام) این چنین شب تا صبح عبادت می‌کنند و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) زمانی که عبادت می‌کنند نفس مبارکشان بند می‌آید به جهت همین لذت معنوی است.

اینکه وارد شده است رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به قدری عبادت می‌کردند که پای مبارکشان ورم می‌کرد نه به جهت بهشت و نه به جهت ثواب بوده است. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند:

«مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا شَوْقًا إِلَيَّ جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ»

خدایا عبادت من نه به خاطر طمع در بهشت و نه به خاطر ترس از آتش است، بلکه به خاطر این است که خدا را شایسته بندگی یافتم.

عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، نویسنده: ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، محقق /

مصحح: عراقی، مجتبی، ج ۲، ص ۱۱، ح ۱۸

فرمایشات امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اوج معرفت یک بنده است که می‌فرماید: خدایا من تو را شایسته بندگی یافتم. در رحمانیت و رحیمیت خداوند متعال شکی نیست.

رحمانیت به معنای بسط عنایت و رحمت حق به تمام موجودات است از جمله انسان، جن، جمادات، حیوانات، مؤمن، کافر، متقی و فاسد است. به عبارت دیگر رحمت خداوند متعال بر تمام موجودات گسترده شده است.

رحیمیت به معنای مهربانی است و مهربانی‌اش هم خاص است. خداوند عالم برای آن دسته از مؤمنین رحیم است. کسانی که به خط افتادند، کسانی که در این مسیر با خداوند عالم راز و نیاز دارند و از گناه دوری می‌کنند و واجبات را انجام می‌دهند و بنده خدا هستند.

به عبارت دیگر خداوند عالم صد رحمت دارد و از صد رحمت تنها یک رحمت را در میان خلائق تقسیم کرده است. یک رحمت الهی در میان جمیع خلائق تقسیم شده است.

اینکه مشاهده می‌کنیم مادر به فرزند محبت می‌کند، فرزند به پدر و مادر محبت می‌کند، برادر به خواهر و مردم به همدیگر محبت می‌کنند همان یک صدم رحمت الهی است که میان بندگان تقسیم شده است و نود و نه درصد رحمت الهی در قیامت است.

رحمت خداوند عالم به قدری گسترده است که حتی شیطان با آن خباثت توقع دارد که خداوند متعال از سر تقصیرات او بگذرد و به رحمت الهی طمع می‌کند.

بنابراین اولیاء الهی به این جهت عبادت می‌کنند که خداوند متعال را هم رحمان یافته‌اند و هم رحیم یافته‌اند و هم الله یافته‌اند که به معنای مستجمع جمیع صفات کمالیه است. ما تسبیحات اربعه می‌خوانیم درحالی که یکی از معانی تسبیحات اربعه این است:

«سُبْحَانَ اللَّهِ»؛ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه است. «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ هر خوبی که به ذهن ما برسد را دارا هستی. «وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ کسی که تمام خوبی‌ها و کمالات را دارد و از هر نقصی مبرا است تویی. «وَاللَّهُ أَكْبَرُ»؛ خدایا تو بالاتر از این هستی که به وصف درآیی.

یکی از معانی تسبیحات اربعه که باید در نماز رعایت کنیم و یکی از اساس و ارکان نماز است و به جای حمد و توحید در رکعت سوم و چهارم می‌خوانیم این است که ما در ضمن تسبیح و تحمید الهی خدا را منزّه از تمام حمدهای خودمان بدانیم.

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: خدایا اگر من تسبیح تو را می‌گویم به جهت این است که این تسبیح تنها با توجه به عقل خودم بوده است. خدایا تو فراتر از تسبیحات من هستی؛

«أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ»

ثنای خودت تنها از دست خودت ساخته است و تنها خودت می‌دانی چه کمالاتی داری.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳،

ص ۳۲۴، ح ۱۲

به عبارت دیگر اگر تو خود حمد و ثنای خود را بیان کردی آن ثنا لایق توست، نه ثنای من. خدایا ثنای من برای تو نقص است و تو فراتر از این هستی.

بنابراین یکی از شادی‌هایی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دارد این است که انسان به عبادت و اطاعت حق شادمان باشد. در روایتی وارد شده است:

«سُرُورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ حُزْنُهُ عَلَيَّ ذَنْبِهِ»

خوشحالی مؤمن لحظه‌ای است که مطیع پروردگار باشد. و ناراحتی اش به خاطر گناهش است.

زمانی که انسان خداوند متعال را اطاعت می‌کند آرامش می‌یابد. همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)

آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!

سوره رعد (۱۳): آیه ۲۸

ذکر الله تنها با گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» میسر نیست، بلکه به یاد خدا بودن به

معنای اجتناب از تمام معاصی است و گوش کردن به اوامر الهی است. به عبارت دیگر به یاد خدا بودن به معنای

اتیان واجبات و ترک محرّمات است.

این روایت یکی از مصادیق ذکر است. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«سُرُورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ حُزْنُهُ عَلَى ذَنْبِهِ»

خوشحالی مؤمن لحظه‌ای است که مطیع پروردگار باشد و ناراحتی مؤمن لحظه‌ای است که گناهی از او سر بزند.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، ص ۱۸۱، ح ۳۳۹۸

از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بدترین غم زمانی است که معامله انسان با خداوند متعال به هم بریزد. در روایت دیگری وارد شده است:

«أَكْثَرُ سُورِكِ عَلَى مَا قَدَّمْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَ حُزْنِكَ عَلَى مَا فَاتَ مِنْهُ»

زمانی که کارهای خوبی انجام می‌دهی و برای روز قیامت ذخیره می‌کنی مایه شادمانی است، اما اگر در اطاعت خداوند کوتاه آمدی زمانی است که باید محزون باشی.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، ص ۱۴۵، ح ۲۶۳۱

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در روایتی به «عبدالله بن عباس» می‌فرماید: یابن عباس! من در عمرم به اندازه این جمله از جملات پیامبر اکرم نفع نبردم و تا این حد خوشحال نشدم؛

«فَإِنَّ الْإِنْسَانَ قَدْ يَسْرُهُ مَا لَمْ يَكُنْ لِيَفُوتَهُ وَ يَسُوءُهُ فَوْتُ مَا لَمْ يَكُنْ لِيَذْرِكُهُ»

افرادی وجود دارند که وقتی فرزندش بیمار می‌شود ناراحت می‌شود و زمانی که سلامتی می‌یابد خوشحال می‌شوند، زمانی که ثروتی به دست می‌آورد خوشحال است و زمانی که ثروتش از دست می‌رود ناراحت است. همچنین اگر در زندگی ضرر کند گویا تمام غصه‌های عالم روی قلبش می‌آید و زمانی که پول یا پاداشی به او دادند چنان خوشحال می‌شود گویی تمام دنیا را به او می‌دهند. این مسائل ارزش ندارد، زیرا شادی‌های مجازی است.

«وَلَيْكُنْ أَسْفُكَ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتَ لِلَّهِ فِيهِ مِنْ ذَلِكِ وَ دَعَّ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا»

خوشحالی تو باید آن لحظه‌ای باشد که عمل آخرتی و الهی انجام دادی و ناراحتی تو باید زمانی باشد که کارهای آخرتی را کنار گذاشتی.

وقعة صفین، نویسنده: نصر بن مزاحم، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد، ص ۱۰۷، باب کتاب

علی ع إلى العمال و أمراء الجنود و الخراج و معاوية و عمرو

این موارد در حقیقت یکی از نشانه‌های شادی و غمناک بودن از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

**مجری:**

استاد گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم شادی‌های کاذب در میان جامعه و مردم وجود دارد. به عبارت دیگر گاهی اوقات تعریف ما از شادی و نشاط مقداری غلط می‌شود.

اینکه اگر کسی در جشن عروسی شرکت کند که در آن بزن و بکوب و رقص باشد شادی کرده است و یا اگر آهنگ شاد بشنود شادی کرده است.

این در حالی است که شادی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آن را بیان می‌کند شادی‌ها و خنده‌های حلال است، نه شادی‌هایی که پر از گناه و معصیت است. چنین شادی‌هایی ظاهراً شادی است، اما در باطن پر از غم و غصه و اندوه و گناه است.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای اسماعیلی ما اگر توفیق داشته باشیم ان‌شاءالله شادی‌هایی که از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سبب گناه و معصیت است را بیان خواهیم کرد.

همچنان که در روایت وارد شده است: اگر گناهی از تو سر زد این گناه نه تنها مایه خوشحالی تو نیست، بلکه باید غمناک شوی و علت آن هم همین است. همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

**(وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ)**

هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید.

**سوره شوری (۴۲): آیه ۳۰**

زمانی که انسانی در عروسی که رقص و پایکوبی و شرب خمر در آن وجود دارد، بخواد یا نخواهد گناه آن در زندگی شما اثر وضعی می‌گذارد. اگر شما به قصد گناه به آنجا بروید یا به قصد گناه نروید، گناه آن دامنگیر شما خواهد شد.

به عنوان مثال اگر لیوانی مملو از شراب است و شما نمی‌دانید که داخل این لیوان شراب وجود دارد و با تصور اینکه درون آن شربت است آن را خوردید گناهی مرتکب نشدید، اما مست شدید.

**مجری:**

اثر وضعی دارد.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

گناه کردن در زندگی انسان اثر وضعی می‌گذارد.

### مجری:

این فعل همانند این است که در لیوانی که جلوی من گذاشته شده سم مهلکی بریزند، اما ظاهراً با یک لیوان آب معمولی هیچ تفاوتی نداشته باشد. بنده این لیوان سم را می‌خورم، اما اثر خود را روی بدن من می‌گذارد.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. گناه کردن دیر یا زود اثر خود را روی من خواهد گذاشت. همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى)

و هر کس از یاد من روی‌گردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم.

سوره طه (۲۰): آیه ۱۲۴

گناه و معصیت زندگی انسان را فلج و نابود می‌کند. در روایات وارد شده است که اگر دردی بر شما عارض می‌شود به جهت این است که گناهی از انسان سر زده است. به عنوان مثال اگر همسرتان در آشپزخانه یک مرتبه دستش می‌سوزد ببینید چه گناهی از او سر زده است.

هیچ مشکلی نیست که در زندگی ما اتفاق بیفتد، الا اینکه یک گناهی از ما سر زده باشد. بحث اولیاء خداوند جداست. در روایت وارد شده است:

## «إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَذْبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۴،

ص ۲۳۵، ح ۵۴

حساب اولیاء الهی جداست، اما ما بندگانی که غیر معصوم هستیم هر مشکلی برایمان پیش می‌آید به جهت گناه و معصیت ماست. این در حالی است که در روایت وارد شده است ناراحتی‌های اندک انسان به خاطر گناهی است که از او سر زده است.

به عنوان مثال بسته اسکناسی را در دست گرفتیم تا بشماریم. ممکن است مرتبه اول که شمردیم سه اسکناس کم بیاید و ناراحت شویم، اما مرتبه دوم که شمردیم تعداد آن کامل باشد. همین مقدار ناراحتی مرتبه اول به جهت گناهی است که مرتکب می‌شویم.

اگر راه می‌رویم و پایمان به سنگ می‌خورد قطعاً بدانیم که گناهی از ما سر زده است که به همین خاطر پای ما به سنگ می‌خورد. در روایت وارد شده است بنده‌ای که خداوند او را دوست دارد زمانی که او را گرفتار می‌کند، او بلافاصله به فکر فرو می‌رود.

در این صورت این شخص اگر مورد گرفتاری و دردی واقع شد باید ببینیم چه گناهی در زندگی از او مرتکب شده است که مستوجب چنین عذابی است و بلافاصله استغفار می‌کند.

همچنین بنده‌ای وجود دارد که خداوند متعال او را دوست ندارد. این شخص زمانی که به واسطه ارتکاب گناه استغفار می‌کند عین خیالش نیست.



این موارد همگی نشانگر این است زمانی که من مرتکب گناه و معصیت می‌شوم یا در عروسی آمیخته به گناه شرکت می‌کنم شادی موقت برای من ایجاد شده است، اما این گناه اثر وضعی خود را می‌گذارد و خداوند متعال در جایی نتیجه آن را به من نشان خواهد داد.

در این صورت خدای نکرده گرفتار تصادف یا اتفاق دیگری خواهیم شد. به طور کلی زندگی انسان به هم می‌ریزد.

لذا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: بهترین شادی، شادی است که در مسیر اطاعت الهی باشد و بدترین غم در جایی است که در مسیر گناه و معصیت الهی باشد.

در کنار شادی‌های موقت که در اثر آن انسان مرتکب گناه می‌شود، گرفتاری‌های طولانی در زندگی انسان به وجود خواهد آمد و انسان نتیجه اعمال خود را پس خواهد داد.

مطلب دیگر این است یکی از نشانه‌های شیعه بودن از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شاد بودن و دیگران را هم شاد کردن است. حال یکی از مصادیق شاد بودن انجام کارهای خوب است.

حضرت هم با مردم شوخی می‌کردند و یکی از عیب‌هایی که به آن بزرگوار گرفتند این بود که زیاد شوخی می‌کنید. همچنین رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) هم شوخ طبع بودند.

در روایت وارد شده است که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) خرما می‌خوردند. رسول گرامی هسته‌های خرما را خود را جلوی امیرالمؤمنین می‌انداختند و فرمودند: علی جان! چقدر خرما خوردی و چقدر شکمو هستی!!

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: یا بن رسول الله! شکمو کسی است که خرما را با هسته آن خورده است.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) همیشه می فرمودند: اگر بنده شوخی می کنم در شوخی هایم جز حق حرف دیگری نمی زنم. باید درس بگیریم که شوخی های ائمه طاهرین (علیهم السلام) هم باید برای ما الگو باشد.

**مجری:**

یعنی گناه و معصیت و غیبت و تهمت و مسخره کردن در آن نباشد.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

نباید در شوخی کردن دیگران را مسخره کرد. عده ای در شوخی های خود افراد دیگری از جمله رشتی ها، ترک ها، لر ها و دیگران را مورد خطاب قرار می دهد. در روایت وارد شده است که غیبت کردن قبائل هم گناه است.

اگر چنانچه می خواهید نامی از قبائل هم ببرید باید با عنوان: "رشتی کافر" یا "ترک کافر" آن را بیان کنید.

داستانی واقعی از زندگی امام خمینی (رحمة الله علیه) نقل شده است. پسر «حاج احمد» دائماً نزد امام خمینی می رفت و برای ایشان جوک تعریف می کرد.

امام خمینی به ایشان فرمودند: زمانی که جوک تعریف می کنی، بگو "لر کافر" یا "ترک کافر" یا "عرب کافر" چنین بوده است. روزی وقتی برای امام خمینی جوک تعریف می کردند، گفت: "امام جمعه کافری" چنین بوده است!!

**مجری:**

ایشان می خواستند داستان امام جمعه را نقل کنند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

امام خمینی (رحمة الله عليه) به ایشان فرمودند: "پسرم امام جمعه که کافر نمی‌شود!!" بنابراین غیبت کفار هیچ اشکالی ندارد. اگر ما به این صورت جوک تعریف کنیم اشکالی ندارد.

### مجری:

استاد ممکن است بعضی از قبایل اعتراض کنند که "ترک کافر" یا "لر کافر" یا "رشتی کافر" وجود ندارد. بهتر این است که در جوک تعریف کردن تنها به نام "کافر" اکتفا کنیم و اسم شهر و دیاری آورده نشود.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شاید شما خبر ندارید و در زمان گذشته در میان این قبایل هم فرد کافری وجود داشته است. به عنوان مثال قبل از صدر اسلام شاید یک "رشتی کافر" یا "لر کافر" یا "ترک کافر" یا "عرب کافر" وجود داشته است.

«شهریار» در مورد کسانی که نسبت به قبایل جوک می‌سازند شعر تندی سروده است. به دلیل اینکه انتهای شعر عبارت تندی به کار برده شده من از بیان کردن آن عذرخواهی می‌کنم.

ما در جوک‌هایی که نسبت به قبایل و افراد می‌سازیم تلاش کنیم این قضایا را مطرح نکنیم. اگر در بعضی از روایات در مورد شمالی‌ها یا خوزستانی‌ها روایاتی آمده بدانید که این روایات، روایاتی جعلی است که از زبان ائمه طاهرین (علیهم السلام) ساختند.

هدف این افراد از جعل این روایات این است که ائمه طاهرین (علیهم السلام) را در میان قبائل و مردم بدنام کنند و قبائل مختلف را نسبت به ائمه بدبین کنند.

در روایتی آمده است که کردها سابقاً اجنه بودند، درحالی‌که مرحوم «مامقانی» می‌گوید: در سند این روایت «محمد» نامی وجود دارد که از دولت «بنی امیه» یا «بنی عباس» پول می‌گرفت و در میان مردم احادیثی از قول امام صادق (علیه السلام) جعل می‌کرد.

هدف این شخص از جعل و انتشار این احادیث جعلی این بود که مردم را نسبت به امام صادق (علیه السلام) بدبین کند. بنابراین تمام روایاتی که نسبت به رشتی‌ها، شمالی‌ها، خوزستانی‌ها، کردها و دیگر قبائل وارد شده عمدتاً از «ابو ربیع شامی» است.

بنده حدود ۳۵ سال قبل چندین هفته روایاتی که در مذمت یا مدح بعضی از قبائل و شهروندان بعضی از شهرها وارد شده را گردآوری کردم. مشاهده کنید در کتاب «التبیین فی أخبار قزوین» چه فضایل عجیبی برای شهر قزوین آورده است.

زمانی که انسان به این روایات مراجعه می‌کند وحشت می‌کند، زیرا در زمان نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) اصلاً اسلام به ایران نیامده بود و اصلاً شهری به نام قزوین مطرح نبود تا «أنس»، «عایشه» و افراد دیگری درباره این شهر روایاتی نقل کنند.

عمده روایاتی که در مذمت شهرها و قبایل بیان شده از «ابو ربیع شامی» است که او فردی کاملاً منحرف است و هیچ توثیقی درباره او نیست. گذشته از آن اصلاً این روایت مرسل است.

در شبکه‌های وهابی مرتباً این روایات برای تحریک قبائل و اقوام نسبت به شیعه مطرح می‌شود.

بنده به صراحت می‌گویم: "عزیزان کرد، عزیزان خوزستانی، عزیزان شمالی، روایاتی که از ائمه طاهرین (علیهم السلام) در بعضی از کتب نقل شده اصلاً سند ندارد و روایات ضعیفی است. اگر آن‌ها مردانگی دارند یک روایت صحیح در این زمینه بیاورند و بنده تحدی می‌کنم."

شبکه‌های شیطنانی که دائماً تبلیغ می‌کنند که امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

«لَا تُخَالِطِ الْأَكْرَادَ فَإِنَّ الْأَكْرَادَ حَى مِنْ الْجِنَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُمْ الْغِطَاءَ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص

۱۶۴، ح ۳۶۰۳

یا:

«لَا تُسَاكِنُوا الْخُوزَ وَلَا تَزَوِّجُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّ لَهُمْ عِرْقًا يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ غَيْرِ الْوَفَاءِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۲،

ص ۳۱۳، ح ۱

تمام این روایات ضعیف است و از دیدگاه بزرگان شیعه فاقد ارزش است. این روایات، روایات جعلی و ساختگی است همان طور که در میان روایات اهل سنت هم روایات جعلی و ساختگی وجود دارد.

به عنوان مثال در کتاب «صحیح بخاری» هم روایاتی وارد شده مبنی بر اینکه خداوند جوانی موفرفری است که سوار الاغ می شود.

تمامی این روایات ساخته شده است؛ حال آنکه انسان بی عقلی همانند «ابن تیمیه» می گوید: "این روایت صحیح است و فضلا و اجلاء و افراد ثقه آن را نقل کرده اند و هرکسی هم این روایات را منکر باشد زندیق است."

او معتقد است هرکسی روایات تجسیم را منکر باشد زندیق است!! همچنین روایاتی از او نقل شده مبنی بر اینکه خداوند متعال بالای عرش می نشیند و این عرش چنان ناله می کند گویی شتر وقتی تازه می خواهد سواری بدهد ناله می کند.

«ابن تیمیه» می گوید: کسی حق ندارد این روایات را انکار و تأویل کند!! این در حالی است که شخص «ابن تیمیه» خود معتقد است غالب روایاتی که ما در برابر صفات حق داریم برگرفته از «تورات» است.

ما از علمای بزرگوار شیعه تقاضا داریم قاطعانه به میدان بیایند و تکلیف این روایات را که زمینه بدبینی اقوام نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) را فراهم می‌کند روشن کنند.

همچنین تقاضا داریم علمای بزرگوار اهل سنت تکلیف روایاتی که واقعاً انتساب آن به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) شرم‌آور و خجالت‌آور است را روشن کنند.

آن‌ها قاطعانه بگویند این روایات از اسرائیلیات است؛ ولو در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آمده باشد با عقل و فطرت سازگار نیست و با فرمایشات قرآن کریم کاملاً در تضاد است. این در حالی است که قرآن کریم می‌فرماید:

(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)

همانند او چیزی نیست.

سوره شوری (۴۲): آیه ۱۱

و:

(وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

و برای او هرگز شبیه و مانندی نبوده است.

سوره اخلاص (۱۱۲): آیه ۴

و:

(لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ)

چشم‌ها او را درک نمی‌کنند ولی او همه چشم‌ها را درک می‌کند.

## سوره انعام (۶): آیه ۱۰۳

این آیات شریفه قطعیات قرآن کریم است؛ حال درست است که ما بگوییم پیغمبر اکرم خداوند را دیدند و ما هم در قیامت قرار است خداوند متعال را ببینیم؟! این روایات جعلی کاملاً با فرمایشات قرآن کریم در تضاد است.

شخصی نزد امام باقر (علیه السلام) می‌رسد و عرض می‌کند: یابن رسول الله! در میان ما شیعه خیلی زیاد است. امام می‌فرماید: آیا در میان شیعیان، ثروتمندان به فقرا رسیدگی می‌کنند؟! آیا به آنها محبت و مهربانی دارند؟! اگر کسی در حق کسی دیگر بدی کند، طرف مقابل از بدی او می‌گذرد یا کینه او را به دل می‌گیرد؟!!

آیا در میان خود مواسات و کمک کردن به دیگران و خوشحالی دیگران را دارند، یا نه؟! آیا شیعیان این قدر با هم صمیمی هستند که دست در جیب یکدیگر کنند و پول یکدیگر را خرج کنند، یا نه؟! مرد عرض کرد: یابن رسول الله! نه. امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«لَيْسَ هَؤُلَاءِ الشَّيْعَةَ الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَكَذَا»

آن‌ها شیعه نیستند، شیعه کسی است که این صفات را داشته باشد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۳۱۳، ج ۶۹

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

استاد خیلی ممنونم، لطف فرمودید. واقعاً ما وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که چقدر نکات ارزشمندی در فرمایشات وجود نازنین آقایان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هست که نشان می‌دهد شادی و نشاط مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است.

البته ما ابتدا ابتدا باید تکلیفمان را مشخص کنیم و تعریف درستی از شادی و نشاط داشته باشیم و هر فعل و شادی کاذبی را شادی و نشاط ندانیم.

### بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

بسیاری از دوستان خوب بیننده لطف کردند و برای ما پیام فرستادند که بنده ان‌شاءالله به موقع پیام‌های شما را خواهم خواند.

آقا مهدی از بیننده عزیزمان از تاجیکستان همیشه با «شبکه جهانی ولایت» همراه هستند و تشکر کردند.

آقای سید حمید حسینی از شهر هرات واقع در افغانستان گفتند: وقت بخیر. بحث شادی از دیدگاه اسلام بحث خوبی است. موضوعی که این روزها به فراموشی سپرده شده این است که چطور باید شاد بود.

این روزها افعالی مانند گوش دادن به موسیقی و تفریحاتی چون قلیان کشیدن و تیغ زنی به عنوان افعال شادی آور معرفی شده است. راهنمایی بفرمایید.

ما ان‌شاءالله در این خصوص صحبت خواهیم کرد، البته بنده در برنامه اشاره‌ای نسبت به این موضوع داشتم. تعریف ما ابتدا از شادی و نشاط باید معلوم باشد، تا بعداً بگوییم که چطور باید شاد بود.

آقای عرفای هم از فارس برای ما پیام فرستادند که از ایشان ممنون هستیم.

دوستان خوب دیگری هم لطف کردند و همراهی و هم‌نوایی خود با «شبکه جهانی ولایت» را اعلام کردند.



برنامه زنده «اخلاق علوی» در ایام بسیار مبارک عید نوروز تقدیم حضور شما می‌شود. ان‌شاءالله همیشه دل‌هایتان شاد باشد.

صلی الله علیک یا امیرالمؤمنین یا علی جان.

به‌به چقدر لذت بردیم، چقدر با شنیدن مدح و منقبت آقا جانمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حال و هوای دلمان عوض شد و جگرمان خنک شد.

خوشا به حال کسانی که در ایام نوروز و ایام جشن و شادی در عتبات عالیات کنار حرم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حرم نازنین حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و قمر منیر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) هستند و در عتبات سیر می‌کنند.

خوشا به حالتان! ان‌شاءالله دل‌هایتان همیشه مملو از عشق و ارادت و محبت به ساحت حیدر کرار امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باشد.

ما امشب با برنامه زنده «اخلاق علوی» در خدمتتان هستیم. این برنامه، تقریباً تنها برنامه زنده‌ای است که در این ایام تقدیم حضور شما می‌شود.

این ایام، ایام نوروز است و دوستان ما و خدمتگزاران شما در «شبکه جهانی ولایت» به ویژه برنامه‌سازان شبانه روز تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند. دوستان ما تنها در ایام نوروز فرصت دارند به خانواده سر بزنند و به مسافرت بروند و حال و هوایی عوض کنند.

دوستان ما برنامه‌ها را از قبل آماده کردند و تدارک دیدند و در این ایام یک به یک تقدیم می‌شود و ما برنامه زنده‌ای را نداریم.

تنها کسانی که در «شبکه جهانی ولایت» حضور دارند من و حاج آقای قزوینی هستیم و دوستان دیگری که در پخش این برنامه به صورت زنده به ما کمک می‌کنند.

وقتی از اخلاق علوی در این شب‌ها که ایام عید است می‌گوییم خیلی برای ما لذت‌بخش است، به ویژه موضوع امشب ما که انتخاب کردیم بحث شادی و نشاط و خوشحال کردن از نگاه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

استاد امشب می‌خواهند این بحث را باز هم از زبانشان بشنویم و ادامه بدهند. استاد ما خیلی دوست داریم بدانیم اگر انسانی را شاد کردیم و دل مؤمنی را مسرور کردیم چه ثمرات و نتایج می‌تواند برای ما داشته باشد.

**ثمرات شاد کردن دیگران از نگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در رابطه با اینکه این برنامه‌ها چه ثمراتی برای ما دارد الی ماشاءالله روایات متعددی داریم که ان‌شاءالله بنده به بخشی از این روایات اشاره می‌کنم. در روایتی از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وارد شده است:

**«أخْرِضُوا عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَيْهِمْ وَ دَفْعِ الْمَكْرُوهِ عَنْهُمْ»**

در برآورده کردن حوائج مؤمنین و شاد کردن آن‌ها حریص باشید و غم‌ها را از روی دل‌های آن‌ها بردارید.

**«فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ الْإِيمَانِ أَفْضَلُ مِنْ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»**

بعد از ایمان به خدا هیچ عملی نزد خداوند متعال باارزش‌تر از شاد کردن دیگران نیست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۳۱۳، ح ۶۹

اگر همین روایت برای ما ملاک باشد اخلاق علوی در جامعه پیاده می‌شود. این در حالی است که شاعر می‌گوید:  
عبادت به جز خدمت خلق نیست.

حال ما کاری با این شعر نداریم، اما ایمان به خداوند متعال فوق همه چیز است. اگر شاد کردن مؤمنان در مسیر خداوند متعال نباشد هیچ فایده‌ای ندارد. این در حالی است که خداوند متعال به ابراهیم نبی می‌فرماید:

**(قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)**

بگو: نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

سوره انعام (۶): آیه ۱۶۲

حضرت ابراهیم (علیه السلام) به ما یاد دادند که تمام کارهایتان برای خداوند متعال باشد. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

**«يَا أَبَا ذَرٍّ لَيْكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ حَتَّى فِي الْأَكْلِ وَالنُّؤْمِ»**

ای اباذر! در تمام کارها حتی خوردن و خوابیدن نیت کن که خالص برای رضای خدا باشد.

مجموعه ورام، نویسنده: ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، ج ۲، ص ۵۸، باب الجزء الثانی

خوردن گاهی به معنای سیر شدن و لذت بردن از غذاست و گاهی می‌گویی: خدایا من غذا می‌خورم که قدرت و نیرو داشته باشم تا بندگی تو را کنم و تکالیفی که بر دوش من گذاشتی را انجام بدهم، به دنبال روزی همسر و فرزندانم باشد و عبادت انجام دهم.

در این صورت غذا خوردن با نیت هم سبب سیر شدن شکم و لذت بردن از غذاست و هم عبادت محسوب می‌شود.

**مجری:**

خلاصه همه چیز به نیت انسان بستگی دارد.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اگر زمانی که می‌خواهید نیت کنید هم از خواب لذت می‌برید و رفع خستگی می‌کنید و هم عبادت می‌کنید. اگر نیت کنید که من می‌خواهم تا تجدید نیرو کنم و خستگی‌ام برطرف شود و سپس تکالیفی که برای من مقرر کرده‌ای انجام دهم خوابیدن شما عبادت محسوب می‌شود.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

**«حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ»**

خواب زیرکانه چه خوب است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۹۵، ح

۱۴۵

مرحوم «نخودکی» که یکی از اولیاء الله بود و دارای چشم برزخی بود، می‌گفت: "اگر دست دادن و خندیدن و بوسیدن همسر و فرزندان برای رضای خداوند باشد لذت می‌برید و هم نزد خداوند متعال پاداش دارید. چرا به یک نیت ساده بخل می‌ورزید!!"

زمانی که فرزند خود را می‌بوسید، بگویید: این فرزند امانت تو نزد من است و تو عشق و محبت او را در دل من قرار دادی. من برای اینکه فرزندم را خوشحال کنم او را می‌بوسم.

در این صورت این بوسیدن شما عبادت محسوب می‌شود، زیرا هم فرزند خود را بوسیدید و هم عبادت انجام دادید.

اگر زمانی که با همسر و فرزندان مشغول خندیدن هستید و خوشحالشان می‌کنید خالص برای رضای خدا باشد عبادت محسوب می‌شود.

لذا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: بعد از ایمان به خداوند عالم بالاترین ثواب و بالاترین فضیلت متعلق به کسی است که مؤمنین را خوشحال می‌کند.

روایت دیگری از امام باقر (علیه السلام) به نقل از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وارد شده است که می‌فرماید:

**«تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ»**

لبخند زدن در رویارویی با برادر دینی تو نزد خداوند عالم حسنه محسوب می‌شود.

سلام کردن و رویارویی با دیگران به دو صورت است؛ گاهی اوقات در سلام کردن با دیگران چهره‌ای عبوس و جدی به خود می‌گیرید و گاهی اوقات زمانی که با برادر دینی خود روبرو می‌شوید لبخند می‌زنید و می‌خندید و اظهار شادمانی می‌کنید.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ائمه طاهرین (علهیم السلام) می‌فرمایند: همین تبسم در صورت برادر دینی حسنه است.

**«وَصَرَفُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ»**

اگر خاشاکی را از روی چشم برادر خود برداشتید حسنه محسوب می‌شود.

«وَمَا عِبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْ اللَّهِ مِنْ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ»

در میان عبادت‌های خداوند بالاترین عبادت آن است که شما در قلب برادر مؤمن خود شادمانی ایجاد کنید.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۸۸، ج ۲

رویارویی با برادران مؤمن و دوستانان تنها به این نیست که شما سریعاً شروع به درد دل و گریه و ناله از زندگی و روزگار خود کنید. در این صورت غم و غصه خود را به دیگری منتقل می‌کنید.

گاهی اوقات افرادی را مشاهده می‌کنیم که بیماری روحی دارند. این افراد زمانی که به دوستان و اقوام و برادران دینی خود می‌رسند تنها تلاش می‌کنند که بار منفی زندگی و غم و غصه‌های خود را به دیگران منتقل کنند.

گفتن غصه‌های خود به دوستان و برادران دینی هیچ سودی ندارد و تنها موجب می‌شود که او هم ناراحت شود. اگر غم و غصه داری آن‌ها را در دل بگذار و شروع به خندیدن کن، حتی خندیدن‌های تصنعی هم که بر روح و اعصاب انسان اثر مثبت می‌گذارد.

لذا از دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هیچ عبادتی نزد خداوند عالم محبوب‌تر از خوشحال کردن مؤمن نیست. در روایت دیگر وارد شده است:

«أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ سُرُورٌ تُدْخِلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِ»

بهترین اعمال نزد خداوند متعال خوشحالی است که در قلب برادر مؤمن خود وارد می‌کنید.

«تَطْرُدُ عَنْهُ جُوعَتُهُ»

گرسنگی را از او برطرف می‌کنید.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: دارالحدیث، ج ۳، ص ۴۹۰، ح ۲۱۳۸

به عنوان مثال برادر دینی خود را به منزل دعوت کنید و نان و پنیری جلوی او بگذارید. همچنین می‌توانید او را به رستوران، آب میوه فروشی یا بستنی فروشی دعوت کنید.

**مجری:**

همانند آقای «کیا» که قرار است امشب همه ما را مهمان کنند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ایشان از این قول‌ها زیاد دادند، بشنو و باور مکن!!

**مجری:**

آقای «کیا» کارگردان خوب برنامه یک شب همه ما را مهمان کردند. امشب هم قبل از برنامه حاج آقا با ایشان شوخی کردند و الآن نمی‌دانم چه اتفاقی در اتاق فرمان افتاده است.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما خوشحال می‌شویم. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند: بالاترین عبادت و بهترین عمل خوشحال کردن دیگران است؛ ولو با یک شکلات یا بستنی یا دعوت به رستوران یا منزل!! در روایت دیگری وارد شده است:

«إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِدْخَالُ الشَّرُّورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ»

بهترین اعمال نزد خداوند متعال شاد کردن مؤمن است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۸۹، ح ۷

اگر فرداشب آقای اسماعیلی گفتند که آقای «کیا» کارگردان خوب ما، شام همگی را دعوت کردند معلوم می‌شود که این روایت‌ها اثرگذار است.

مجری:

همین الآن در گوش من گفتند: ان شاء الله فرداشب همه را مهمان می‌کنم. من قول شام را از ایشان گرفتم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روایت دیگری دارد که خیلی زیباست. حضرت می‌فرمایند:

«فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَضْوَاتَ مَا مِنْ أَحَدٍ أُوْدِعَ قَلْبًا سُورًا إِلَّا وَخَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ الشُّرُورَ لَطْفًا»

قسم به خدایی که تمام صداها را می‌شنود اگر کسی شادی در قلب دیگران ایجاد کرد خداوند عالم از این شادی لطف و رحمت و نوری ایجاد می‌کند.

عزیزانی که به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) علاقه دارید و می‌خواهید اخلاق علوی را در زندگی پیاده کنید امیرالمؤمنین در این مورد به خداوند متعال قسم یاد کرده است.

«فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي أَنْجِدَارِهِ حَتَّى يَطْرُقَهَا عَنْهُ»

زمانی که گرفتاری برای انسان پیش می‌آید لطفی که از آن خوشحال کردن دیگران شده بود همانند آبی که اضافات را می‌شوید گرفتاری‌ها را با خود می‌برد.



مشاهده کنید یک مرتبه شاد کردن دیگران باعث می‌شود شادی به صورت نوری درآید تا گرفتاری‌هایی که در زندگی ما ایجاد شده را نابود و محو کند.

نکته دیگری که در اینجا وجود دارد این است که اصلاً شاد کردن دیگران مایه خوشحالی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) را فراهم می‌کند.

اگر می‌خواهید پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین (علیهم السلام) را خوشحال کنید باید ببینید که آن بزرگواران با چه اعمالی خوشنود می‌شوند.

این روایاتی است که از نبی مکرم اسلام، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) به دست ما رسیده است. روایت دیگری از رسول گرامی اسلام نقل شده است که می‌فرمایند:

«مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ فَرِحًا فَقَدْ أَدْخَلَ عَلَيَّ فَرِحًا»

اگر کسی مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۴۱۳، ح ۲۷

شاد کردن برادر دینی، شاد کردن همسر، شاد کردن فرزند، شاد کردن پدر و مادر، شاد کردن خواهر و برادر و دیگر مؤمنین باعث می‌شود که پیغمبر اکرم شاد شود. در روایت دیگر وارد شده است:

«لَا يَرَى أَحَدَكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ سُرُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ أَدْخَلَهُ فَقَطُّ»

کسی که شخص مؤمن را خوشحال می‌کند تصور نکند که تنها این فرد را خوشحال می‌کند.

«بَلِّغِ اللَّهَ عَلَيْنَا بَلِّغِ اللَّهَ عَلَيَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ»

زیرا به خدا قسم که ما و رسول خدا را خوشحال کرده است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۲۹۰، ج ۱۹

این مسائل کاملاً واضح و روشن است. در این زمینه یکی دو روایت یا ده روایت وارد نشده است، بلکه روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است که می‌فرماید: اگر مؤمنی را خوشحال کردید پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را خوشحال می‌کنید.

در روایت دیگر وارد شده است:

«مَنْ سَرَّ مُؤْمِناً فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ»

هرکسی مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده است و هرکسی مرا شاد کند خدا را شاد کرده است.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۸۸، ج ۱

مجری:

چقدر رابطه زیبایی برقرار می‌شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

چقدر زیباست!! مشاهده کنید که دین اسلام این است؛ حال گروه اندکی از وحشیان وهابی امروزه مردم را می‌کشند، زندگی‌ها را نابود می‌کنند و به سر بریدن خود افتخار می‌کنند. بدانید که این افراد به مراتب بدتر از وحشیان آمازون هستند.

اسلام و سیره ائمه طاهرين (عليهم السلام) می‌فرماید: زمانی که مؤمنی را خوشحال می‌کنید تصور نکنید که تنها او را خوشحال کردید، زیرا ما ائمه را خوشحال می‌کنید.

شما می‌توانید حتی به یک شخص سنی بگویید که اگر چنین کاری انجام دهید امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خداوند متعال را خوشحال می‌کنید. این افعال گذشته از ثواب برای انسان آرامبخش است.

اگر شخص به وسیله کاری که انجام می‌دهد بداند که پیغمبر اکرم و ائمه طاهرين (عليهم السلام) از او خوشحال می‌شوند، آرامش می‌یابد و اعصابش راحت می‌شود. اصلاً نتیجه مادی این فعل بالاتر از این قضایاست.

در این زمینه روایات زیادی وارد شده است، بنده تنها به یک روایت دیگر اشاره می‌کنم و تقاضا دارم عزیزان به ویژه افرادی که در ادارات و ارگان‌ها هستند و می‌توانند مشکلات مؤمنین را حل کنند و گرفتاری‌های دیگران را برطرف کنند خوب به این روایت توجه کنند.

افرادی که در قوه قضائیه فعالیت می‌کنند و می‌توانند به شخص بیچاره‌ای که پول و زبان ندارد و حقش ضایع شده کمک کنند که چشم به او دوخته تا حق او را احیا کند به این روایت خوب دقت کنند.

چنین شخص مظلومی بعد از خداوند متعال امیدش به این قاضی است و چشم به دهان قاضی دوخته تا از دهان او چه مطالبی بیرون می‌آید. چنین شخصی با یک دنیا امید حکم قاضی را با دقت می‌خواند تا ببیند حقی که از او ضایع شده بود به او برگشت، یا نه!؟

در روایت وارد شده است مردی از ری که محکوم به پرداخت مالیاتی سنگین شده بود نزد حاکم ری که نسبت به ائمه طاهرین (علیهم السلام) ارادت داشته می‌رود تا مشکل او را برطرف کند.

در زمان گذشته افرادی در اداره دارایی فعالیت می‌کردند که اگر ارباب رجوع به آن‌ها رشوه می‌داد مالیات را از او برمی‌داشتند، اما اگر ارباب رجوع به آن‌ها رشوه نمی‌داد برای او مالیات سنگین می‌بریدند.

البته باید بگوییم در جوامع ما این مسائل وجود ندارد و الحمدلله مأمورین دارایی ما پاک هستند و فکرشان هم سمت این قضایا نمی‌رود.

مرد احساس می‌کند که حاکم ری از دوستان ائمه طاهرین (علیهم السلام) است و به همین جهت خدمت امام کاظم (علیه السلام) می‌رسد و عرض می‌کند: یابن رسول الله! حاکم ری از دوستان شماس است و من هم گرفتاری دارم.

امام کاظم (علیه السلام) نامه‌ای با این مضمون به حاکم ری می‌نویسد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَعْلَمُ أَنَّ لِلَّهِ تَحْتَ عَرْشِهِ ظِلًّا لَا يَسْكُنُهُ إِلَّا مَنْ أَسَدَى إِلَيَّ أَخِيهِ مَعْرُوفًا أَوْ نَفْسًا عَنْهُ كَرْبَةً أَوْ أَدْخَلَ عَلَيَّ قَلْبِهِ سُورًا»

بسم الله الرحمن الرحيم. بدان که در زیر عرش الهی سایه‌ای است که در آن سایه کسی قرار نمی‌گیرد مگر اینکه نسبت به برادر خودش کار خوبی انجام داده باشد، گرفتاری او را برطرف کند و یا در قلب او خوشحالی ایجاد کند.

البته «بن باز» معتقد است که خداوند سایه دارد!! باید بگوییم به تعبیر آقای «ذهبی» این افراد عديم الفهم و نفهم هستند.

«وَهَذَا أُخْوَكِ وَ السَّلَامُ»

حامل نامه برادر توست، والسلام.

شخص می‌گوید: وقتی که از حج برگشتم نزد حاکم ری رفتم و به او گفتم که امام کاظم (علیه السلام) برای تو نامه نوشته است. زمانی که حاکم ری این حرف را شنید با پای برهنه دم در آمد.

حاکم ری نامه را گرفت، مرا بغل کرد، میان دو چشمم را بوسید و گفت: خودت امام کاظم (علیه السلام) را دیدی؟! گفتم: بله. حاکم پرسید: امام کاظم (علیه السلام) سالم بودند؟! گفتم: بله.

خلاصه حاکم ری خیلی خوشحال شد، مرا داخل خانه برد و بالای منزل نشانید. زمانی که نامه امام کاظم (علیه السلام) را به او دادم به احترام نامه امام کاظم (علیه السلام) بلند شد، نامه را بوسید و از خادم خانهاش پرسید که من چقدر ثروت و دارایی دارم؟!

زمانی که خادم اسامی خانه‌ها، زمین‌ها و دارایی او را گفت او همانند دو برادر تمام ثروت و دارایی‌اش را با من تقسیم کرد. سپس پرسید:

«يَا أَخِي هَلْ سَرَزْتُكَ»

ای برادر! تو را خوشحال کردم؟!

«فَأَقُولُ إِي وَ اللَّهِ وَ زِدْتُ عَلَى الشُّرُورِ»

من به او گفتم: نه تنها مرا خوشحال کردی، بلکه خیلی بالاتر از آنچه انتظار داشتم به من عطا کردی.

او سپس مسئول دارایی را احضار کرد و گفت: تمام بدهی این شخص را از مالیات پاک کنید. مسئول دارایی تمام بدهی من را از لیست مالیات دهندگان پاک کرد.

در مقابل افرادی وجود دارند که وقتی کسی به آنها خوبی می‌کند تصور می‌کنند که خوبی کردن وظیفه این افراد است و یک زبان تشکر ندارند؛ گرچه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند: انتظار نداشته باشید کسی که در حقش خوبی می‌کنید از تو تشکر کند.

خداوند عالم در برابر کمک شما به بندگانش از شما تشکر می‌کند و همین کافی است، زیرا در قرآن کریم می‌فرماید:

**(لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا)**

هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم.

**سوره انسان (۷۶): آیه ۹**

سپس در ادامه می‌گوید: من به جهت کار خوبی که ایشان کرد تصمیم گرفتم به نیابت از طرف حاکم ری یک سفر از خانه‌ام برای زیارت خانه خدا به حج بروم.

ادب در برابر خوبی دیگران چنین است!! هر سلامی علیکی دارد و علیک این شخص هم در برابر خوبی حاکم ری چنین است.

مرد با خود گفت: این شخص تمام دارایی‌های خود را با من تقسیم کرد و من هم وظیفه دارم به نیابت از طرف او به حج بروم.

اتفاقاً زمانی که به حج رفتم، مشاهده کردم که امام کاظم (علیه السلام) هم در مکه مکرمه تشریف دارند. من تمام قضایا را برای امام کاظم (علیه السلام) بازگو کردم؛

**«وَجَعَلْتُ أُنْدَتَهُ وَ وَجْهَهُ يَتَهَلَّلُ فَرِحًا»**

و مشاهده کردم که سیمای مبارک امام کاظم (علیه السلام) از خوشحالی منبسط شد.

«فَقُلْتُ يَا مَوْلَى هَلْ سَرَّكَ ذَلِكَ»

پرسیدم: مولای من! شما از کاری که حاکم ری انجام داد خوشحال شدید؟!!

«فَقَالَ إِي وَ اللَّهُ لَقَدْ سَرَّنِي وَ سَرَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: به خدا سوگند من و امیرالمؤمنین از کار حاکم ری خوشحال شدیم.

«وَ اللَّهُ لَقَدْ سَرَّ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ص وَ لَقَدْ سَرَّ اللَّهُ تَعَالَى»

به خدا سوگند جدم رسول الله و خداوند متعال از کار حاکم ری خوشحال شدند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۸،

ص ۱۷۴، ح ۱۶

بنابراین یکی از ثمرات خوشحال کردن مؤمنان شادی اهل بیت (علیهم السلام) و خداوند متعال است. اگر در زندگی گرفتاری دارید یکی از راههای رفع آن این است که زمینه شاد کردن دل برادران دینی خود را فراهم کنید.

زمانی که دل برادران مؤمن خود را شاد کردید، بدانید که امام زمان (ارواحنا له الفداه) از کار شما خوشحال می شود.

در همان لحظه بعد از کمک به برادران مؤمن حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را صدا بزنید و از آنها بخواهید حاجات شما را برآورده کنند، سپس بگویید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَوْءٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»

خدایا از تو می‌خواهم تمام خیراتی که علم تو به آن احاطه دارد را به من مسئلت کنی و تمام شروری که علم تو به آن احاطه دارد را از من برطرف کنی.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۵۲۸، ج ۳

بهترین و جامع‌ترین دعایی که بنده تا به حال یافته‌م همین دعا بود. این دعا، دعای بسیار مختصر و جامعی است. من در خدمت حضرتعالی هستم.

**مجری:**

خیلی عالی، استاد از شما متشکرم. واقعاً ببینید چقدر مهم است گاهی اوقات عملی انجام دهیم و دل اطرافیان خود را شاد کنیم.

شادی دل یک مؤمن باعث می‌شود دل امامان معصوم (علیهم السلام)، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و نهایتاً خداوند متعال از ما شاد شود.

بسیار ارزشمند است که دل انسان مؤمنی را شاد کنیم؛ به ویژه در این ایام نوروز که بالاخره گاهی اوقات افرادی مشکلاتی در زندگی خود دارند و ما از آن مشکلات باخبر هستیم و توانایی کمک به آن‌ها را هم داریم.

به هر صورت این فرصت بسیار مناسبی است تا ان شاءالله دل مؤمنی را شاد کنیم. بسیاری از دوستان بیننده هم برای ما پیام دادند که از ایشان ممنون و سپاسگذاریم.

**بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:**

عزیزی گفتند: در این ایام که برنامه‌هایتان به صورت تولیدی پخش می‌شود، نگران شدم که مبادا به مشکلات مالی برخورد داشته باشید؛ البته من به «شبکه جهانی ولایت» کمک کردم.



خیالتان راحت باشد. به لطف و عنایت و مرحمت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و یاری شما مردم عزیز و ولایت یاوران الحمدلله «شبکه جهانی ولایت» سرحال و سرزنده و برپاست.

عرض کردم ایام نوروز تنها فرصتی است که همکاران ما می‌توانند یک نفسی تازه کنند، انرژی دوباره پیدا کنند و خستگی از تن به در ببرند برای اینکه در طول سال بتوانند تلاش و فعالیت کنند.

در ایام نوروز غالب برنامه‌ها تولیدی است. فعلاً ما در برخی از شب‌ها برنامه زنده «اخلاق علوی» را تقدیم حضور شما می‌کنیم.

عزیزی گفتند: ما تازه بیننده «شبکه جهانی ولایت» شدیم و تشکر می‌کنم. از شما ممنونم.

خانم زهرا باشاران از ترکیه لطف کردند و برای ما پیام دادند و به حاج آقا هم سلام رساندند.

آقای حمید رضا احمدی برای ما پیام دادند که از ایشان هم ممنون هستیم.

بیننده‌ای از آمریکا گفتند: "با سلام و وقت بخیر، امید است که در پناه حضرت حق باشید. ایام را به شما و دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت» تبریک عرض می‌کنم.

با عرض سلام خدمت استاد قزوینی. سؤال من در مورد روایاتی است که ایشان می‌فرمایند دل مؤمنان را شاد کنید. ما با کسانی در تماس هستیم که مسلمان نیستند. آیا این روایت شامل حال ما و افراد بی‌دین اطرافمان هم می‌شود، یا خیر؟! "

استاد به این سؤال هم اشاره‌ای نفرمایید. به دلیل اینکه تماس‌های تلفنی هم برقرار خواهد شد من این سؤال را یادداشت می‌کنم تا ان‌شاءالله بیننده‌ای که از آمریکا پیام داده بودند همین امشب پاسخ این سؤال را از استاد خواهند شنید.

ابتدا تماس‌های تلفنی عزیزان را برقرار کنیم و پس از آن ان‌شاءالله پاسخ سؤال این عزیز بیننده از آمریکا را پاسخ می‌دهیم.

### تماس بینندگان برنامه:

آقا ناصر از دیار یزد سلام و درود به شما:

بیننده (آقا ناصر از یزد - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. محضر استاد بزرگوار، آقای اسماعیلی و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم و نوروز ولایی را به شما تبریک عرض می‌کنم.

حرف‌های زیادی دارم، اما با توجه به اینکه وقت برنامه خیلی شریف و عزیز است سعی می‌کنم بسیار زود و مختصر حرف‌های خود را بیان کنم.

سروده کوتاهی در حد شاعرزادگی دارم که می‌خواستم برای شما بخوانم. روز ۲۲ بهمن توفیق حضور در راهپیمایی را نداشتم و تلاش کردم اشعاری را بسرایم.

### مجری:

آقا ناصر اگر شعرتان در مورد امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ایام نوروز است بفرمایید، اما اگر در رابطه با موضوعی است که بیان کردید ان‌شاءالله در فرصتی دیگر خواهیم شنید.

### بیننده:

این شعر در ذم وهابیت است و مدت زیادی است که می‌خواستم این شعر را برای شما بخوانم. بخشی از آن در مدح حاج آقا هست که خیلی میل دارم آن را بخوانم. اگر صلاح می‌دانید قرائت کنم.

**مجری:**

عرض کردم اگر شعرتان در موضوعی که فرمودید است در فرصت دیگری خواهیم شنید، اما اگر متناسب این ایام هست بفرمایید.

**بیننده:**

آقای اسماعیلی شعری در مدح حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حضور ذهن ندارم. بنابراین تنها عرض ادب می‌کنم و رفع زحمت می‌کنم و شعر را در فرصت دیگری خواهم خواند.

**مجری:**

آقا ناصر عزیز بزرگوارید، از شما تشکر می‌کنم، خدا نگهدارتان باشد، شب شما بخیر. آقا موسی از دیار مشهد پشت خط ارتباطی هستند. آقا موسی سلام به شما:

**بیننده (آقا موسی از مشهد - اهل سنت):**

سلام علیکم.

**مجری:**

آقا موسی در خدمت شما هستیم.

**بیننده:**

بنده قبلاً مسیحی بودم و تازه مسلمان شدم.

**مجری:**

به‌به، مبارکتان باشد. دین اسلام گوارای وجودتان باشد.

**بیننده:**

بنده چهار سال پیش به خادم مسجد گفتم و او گفت: به مسجد بیا و تا شیخ برای شما توضیح دهد. زمانی که به مسجد رفتم، شیخ گفت: عده‌ای یهودی می‌شوند، عده‌ای ارمنی می‌شوند، عده‌ای کافر می‌شوند.

او برای من توضیح نداد و به همه مردم گفت که این شخص وهابی شده است. مردم گفتند: به حرم امام رضا (علیه السلام) برو.

زمانی که به آنجا رفتم و مشکل خود را گفتم، آن‌ها ظلم و ستم را در حق ما انجام دادند و گفتند: این شخص وهابی و آدم‌کش است و به من تهمت زدند.

**مجری:**

مگر شما چه مسئله‌ای را بیان کردید؟!

**بیننده:**

به عنوان مثال بنده گفتم: «یا حسین» گفتن و «یا مهدی» گفتن شرک است و با یک آخوند هم بحث کردم.

**مجری:**

آقا موسی الآن شما واقعاً مسلمان شدید، یا اینکه سؤال و شبهه دارید؟! بحثان چیست؟!

**بیننده:**

بنده تنها حضرت رسول اکرم را قبول دارم.

**مجری:**

یعنی چه که تنها حضرت رسول اکرم را قبول دارید؟!

**بیننده:**

نبوت پیغمبر اکرم را قبول دارم.

**مجری:**

اینکه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) وصیت کرده باشند بعد از آن بزرگوار چه کسی جانشین باشد را

قبول ندارید؟!

**بیننده:**

علمای سنی حرفهای دیگری میزنند.

**مجری:**

شما بگویید که من مسلمان شدم، اما سنی شدم.

**بیننده:**

بله من سنی هستم.

**مجری:**

پس بگویید که مسلمان و سنی هستم. اگر شبهه یا سؤالی دارید می‌توانید مطرح کنید، البته برنامه ما برنامه

«اخلاق علوی» است.

بیننده:

یک مرتبه آقای «خدمتی» در «شبکه کلمه» گفت: علی بن ابی طالب شخصی به نام «عبدالله بن سبا» را در آتش سوزانده است و آقای قزوینی هم از این حرف دفاعی نکردند.

مجری:

آقا موسی این مسائل را با همدیگر قاطی نکنید. شما گفتید که مسیحی بودید، حال مسلمان و سنی شدید. اگر سؤال یا شبهه‌ای روی بحث اسلام دارید بفرمایید ما در خدمت هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا موسی عزیز اولاً اینکه ما در رابطه با «عبدالله بن سبا» حدود ۸ جلسه صحبت کردیم که فایل‌های آن روی سایت «مؤسسه ولی عصر» و سایت «شبکه جهانی ولایت» موجود است.

ما که نمی‌خواهیم هر روز که کارشناسان وهابی بساطی به هم زدند ما حرف‌های گذشته را تکرار کنیم. الان دوستان ما حدود ۶ ماه است که می‌خواهند از آن‌ها کلیپی پخش کنند، اما آن‌ها حرف جدیدی برای گفتن ندارند و تمام حرف‌هایشان تکراری است.

اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شخصی به نام «عبدالله بن سبا» را سوزانده است، آن‌ها از طرفی می‌گویند: اولین کسی که خلافت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را مطرح کرد «عبدالله بن سبا» بوده است.

در این صورت بنیانگذار خلافت امیرالمؤمنین «عبدالله بن سبا» بوده است و به خاطر خدمتی که به حضرت کرده است، حضرت باید به او احترام بگذارند؛ چرا حضرت او را سوزانده است؟!

بیننده:

همان‌طور که علی بن ابی طالب «ابن سبا» را در آتش سوزانده است، شیعیان هم مرا در آتش توهم و افترا سوزانده‌اند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

چکار کردند؟!

**مجری:**

آقا موسی مسائلی که شخصی برای شما پیش آمده به ما ارتباطی ندارد. ما بحث علمی را مطرح می‌کنید. شما به ما بگویید الآن در چه موردی شبهه دارید تا ما به شبهه شما پاسخ بدهیم. ما کاری به مسائل جنبی شما نداریم!!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آیا شما تا به حال دیدید که حکومت شیعی انسانی را جلوی مردم با آتش بسوزانند؟!

**بیننده:**

نه.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

وهابیت چطور؟! آیا خلبان اردنی را آتش زدند؟!

**بیننده:**

بله آتش زدند، در کلیپ‌ها دیدم.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدا اموات شما را بیامرزد. آفتاب آمد دلیل آفتاب!! پدر بزرگوارم شما خودتان مؤید این مطالب هستید.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در اولین جلسه‌ای که نبوتش را اعلام کرد سه مسئله را مطرح کرد؛ مسئله اول اینکه از شرک دست بردارید، زیرا غیر از خداوند متعال خدایی نیست. مسئله دوم اینکه من پیغمبر برگزیده از طرف خداوند متعال هستم و مسئله سوم اینکه خلیفه من علی بن ابی طالب است.

شما بگویید پیغمبر اکرم درباره امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چه جمله‌ای فرموده باشد قبول می‌کنید تا من عین همان را با سند صحیح از کتب اهل سنت بیاورم.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: علی بن ابی طالب بعد از من خلیفه من است. این فرمایش رسول الله با سند صحیح بیان شده است.

اگر به کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد سوم صفحه ۱۳۳ و کتاب «السنة» اثر «ابن ابی عاصم» جلد دوم صفحه ۵۷۱ مراجعه کنید این روایات را مشاهده می‌کنید و آقای «البانی» هم می‌گوید: سند این روایت صحیح است.

اگر می‌خواهید بدانید که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را ولی امر مسلمین معرفی کرده باشند به کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد ۳ صفحه ۱۱۰ این روایت را می‌آورد.

همچنین آقای «البانی» در کتاب «سلسلة الاحادیث الصحیحة» جلد ۵ صفحه ۲۲۲ می‌گوید: رسول الله فرمودند علی بن ابی طالب ولی امر بعد از من است.



اگر می‌خواهید ببینید که پیغمبر اکرم فرمودند علی بن ابیطالب امام مسلمین است مشاهده کنید که «حاکم نیشابوری» با در روایتی با سند صحیح درباره علی بن ابی طالب می‌فرماید: پیغمبر اکرم فرمودند: درباره علی بن ابی طالب سه چیز به من وحی شد که یکی از آن موارد این است که علی بن ابی طالب امام و پیشوای متقین است. همچنین آقای «خوارزمی» در کتاب «المناقب» خود می‌گوید:

### «أنت امام كل مؤمن ومؤمنة»

الكتاب: المناقب، تأليف: الموفق بن احمد بن محمد المكي الخوارزمي، ج ١، ص ٤٩، ح ٣١

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه سخنی بفرمایند که شما قبول کنید امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را به عنوان خلیفه معین کرده است.

### مجری:

آقا موسی از شما خیلی ممنونم. این هم توضیح کامل و جامع استاد که به هر شکلی که فکر کنید پاسخ داده شد.

شما می‌گویید که من رسالت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را قبول دارم، اما رسول گرامی خود به عبارات و شکل‌های مختلف از روز اول تا روز آخر نبوت خودشان ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را بیان کردند.

از شما ممنونیم، خدانگهدارتان باشد. استاد وقت ما تمام شده است، فقط عزیز بیننده‌ای از آمریکا پیام دادند و سؤالی در خصوص شاد کردن غیر مسلمانان پرسیدند. ایشان پرسیدند: آیا شاد کردن غیر مسلمانان هم ثمراتی دارد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در کتاب «کافی» اثر مرحوم «کلینی» روایتی وارد شده است که امام باقر (علیه السلام) به نقل از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: شخص مؤمنی از دست جباری فرار می‌کند و در امان شخص مشرکی قرار می‌گیرد.

شخص مشرک به او امان می‌دهد، مایه خوشحالی او را فراهم می‌کند و در زمان مرگ هم در حالت شرک از دنیا می‌رود. مشرکین جایی در بهشت ندارند، اما خداوند عالم می‌فرماید:

**«وَلَكِنْ يَا نَارُ هِيدِيهِ»**

ولی ای آتش مقداری او را ورز بده.

**«وَلَا تُؤْذِيهِ»**

او را اذیت نکن.

**«وَأَيُّتِي بِرِزْقِهِ طَرَفَى النَّهَارِ»**

صبح و شام برای او غذا می‌آورند.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: دارالحدیث، ج ۳، ص ۴۸۳، ح ۲۱۳۰

روزی این شخص مشرک که به دیگران خوبی کرده این است که صبح و شام برای او غذا می‌آورند. پرسیدند: از بهشت برای او غذا می‌آید؟! حضرت فرمود: از هر جایی که خداوند می‌خواهد، شما نگران نباشید.

**مجری:**

جای این شخص در جهنم است، اما غذا برای این شخص غذا می‌آید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

برای این شخص عذابی نیست. خداوند عالم در رابطه با خوبی کردن نسبت به مشرکین چنین فرمایشاتی می‌فرمایند.

ما روایات متعددی داریم بر اینکه شخصی می‌پرسد: پدر و مادرم مشرک و یهودی هستند، چکار کنم؟! رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: به آنها بیشتر احترام بگذار.

زمانی که این شخص به پدر و مادر خود بیشتر احترام می‌گذارد، مادر دلیل این احترام را از او می‌پرسد و پسر به او می‌گوید: من مسلمان شدم و پیغمبر ما به احترام والدین سفارش کرده است.

مادر به پسر می‌گوید: پیغمبری که تا این اندازه احترام به والدین را سفارش می‌کند، حتماً پیغمبر خداوند است، من به او ایمان آوردم. اسلام آوردن چگونه است تا مسلمان شوم!؟

بنابراین در احسان کردن شیعه مطرح نیست، سنی مطرح نیست، مسلمان مطرح نیست، مسیحی مطرح نیست، یهودی مطرح نیست!!

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به «مالک اشتر» می‌فرمایند: زمانی که به مصر می‌روی، همه مردم آنجا را به یک چشم نگاه کن، زیرا:

«إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»

آنها یا برادران دینی تو هستند و یا همسان خلقتی تو هستند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۴۲۷، خ

۵۳

بنابراین در خوشحال کردن دیگران فرقی نمی‌کند که چه دینی داشته باشی؛ خوشحال کردن شیعه، سنی، مسیحی یا دیگر ادیان ثواب دارد و پاداش خواهید داشت.

## مجری:

به دوست بیننده‌ای که از آمریکا پیام داده بودند می‌گویم که اتفاقاً شما می‌توانید به عنوان یک شیعه و موالی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تأثیرگذارتر باشید و با رفتار، محبت و شاد کردن می‌توانید اثر مثبت بگذارید؛ هرچند طرف مقابل مسیحی یا یهودی باشد.

استاد وقتمان تمام شده است، حسن ختام برنامه دعا بفرمایید.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد به ویژه حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نزدیک بگردان.

خدایا رفع گرفتاری از گرفتاران بنما. حوائج حاجت‌مندان روا نما.

خدایا به آبروی حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) حوائج این بنده حقیر، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً ولایت یاوران عزیز برآورده نما، دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

## مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از توجه و عنایت شما دوستان خوب بیننده برنامه زنده «اخلاق علوی» ممنونم. زیر سایه حضرت حق و در پناه حضرت مرتضی علی باشید.

یا علی مدد